



باشگاه خبرنگاران گزارش می‌دهد

شاعر عنصر ساواک در جمع خبرنگاران / روایت رابطه امید فتنه گران و منافقین که هیچ جا سخن از آن به میان نیامده

فعالیت‌های "م.ب" در دوران رژیم پهلوی تنها به حضور در دانشگاه فردوسی و آستان قدس، منحصر نبود، وی در سال 1351 پس از اثبات سرسپردگی به رژیم پهلوی، توانست به تشکیلات مخوف ساواک راه یابد، دامنه فعالیت‌های تخریبی و تجسوسی "م.ب" در ساواک به قدری گسترده بود که برای وی نام مستعار و سازمانی در نظر گرفته شد.

کد خبر: تاریخ: اسفند - :

به گزارش خبرنگار **اجزاب باشگاه خبرنگاران**، در حلقه هنری و ادبی جریان فتنه، محافل شعری از اهمیت زیادی برخوردار بودند، محافلی که ضمن عضوگیری از میان جوانان مستعد، القاء یک خط فکری مشخص را در دستور کار قرار داده بودند؛ شبهه‌افکنی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی همان خط فکری پی‌گرفته شده از سوی حلقه شعری جریان فتنه بود که هدف اصلی آن، به تخاصم کشاندن مردم با حکومت دینی و زدودن ارزش‌های فرهنگی و مذهبی از رخسار جامعه بود.

"م.ب" شعر با جاشنی نژادپرستی

در میان شاعران فعال در فتنه 88، هیچکدام به اندازه "م.ب" در زیرپا گذاشتن ارزش‌ها و هنجارها، پیشگام نبودند؛ نامبرده که با تخلص "امید" شعر می‌گوید و در اشعارش که عمدتاً لحنی حماسی دارند، از هیچ هتک حرمتی فروگذار نمی‌کند؛ از تخطئه و توهین به عرب‌زبانان تا هتاکی به مقدسات دینی.

"م.ب" در اشعارش با شدت و حرارت زیادی به پمپاژ القائات ملی‌گرایانه افراطی (شوونیستی) می‌پردازد و گاه در این مسیر به حدی افراط می‌کند که در دایره نژادپرستی (راسیزم) غوطه‌ور می‌شود. تعصب نسبت به جلوه‌ها و نمادهای ایران باستان یکی دیگر از شاخصه‌های شعری "م.ب" است.

شعر موهن "خدای عرب" و اهانت به هم وطنان عرب‌زبان

شعر "خدای عرب"، "م.ب" به قدری نژادپرستانه و موهن بود که نه تنها اعتراض شاعران و هنرمندان درون خانواده انقلاب را به همراه داشت که حتی با تقبیح پیروان سایر مکاتب ادبی نیز مواجه شد.

کینه‌توزی و نفرت‌پراکنی "م.ب" در شعر موهن "خدای عرب" تا آن جاست که وی حتی هم‌وطنان عرب‌زبان را بی‌هویت می‌خواند و در اهانتی آشکار، چنین می‌گوید که حاضر است به قعر جهنم برود اما صدای اعراب را نشنود.

همدلی "م.ب" با فتنه‌گران

اما هجویات تفرقه‌افکنانه "م.ب" تنها به شعر موهن "خدای عرب" و تمسخر و استهزاء عرب‌زبانان منحصر نمی‌شود؛ بلکه وی در اشعار دیگرش هم، اهانت به قومیت‌ها و اقلیت‌ها و همچنین هجمه‌پراکنی علیه مقدسات را دستمایه شعری خود قرار می‌دهد.

"م.ب" پس از سال 88، هم چون سایرهم مسلکان، فرصت ایجاد شده توسط فتنه‌گران را مغتنم شمرد و درشت‌گویی و هتاک‌های خود را وارد حیطه سیاست کرد.

"م.ب" در ایام فتنه 88 با سرودن شعری با مطلع "چندی است دلم یک دله با فتنه گران است"، ضمن نشان دادن ارادت خود به سران فتنه و مدیریت بیرونی این جریان برانداز، توهین و هتاک‌های خود علیه باورهای دینی مردم را تکمیل کرد.

"م.ب" در شعر مذکور، ضمن سیاه‌نمایی اوضاع داخلی که شاخصه بارز روشنفکرانماهاست، همدردی و همدلی مردم ایران با مظلومان و ستمدیدگان جهان از جمله ملت‌های فلسطین و لبنان را به

سخره می‌گیرد و همصدا با رسانه‌های معاند بیگانه و آشوبگران روز قدس سال 88، شعار "نه غزه نه لبنان" را به زبان شعری بیان می‌کند؛ و در عین حال، بار دیگر تعلق خاطر خود به نمادهای رژیم شاهنشاهی را به رخ می‌کشد.

از جمله جنجالی‌ترین شعرهای "م.ب"، شعری است که در تاریخ 25 شهریور 1388، در کاخ نیاوران در میان سوت و کف حضار ارائه کرده است؛ شعری موسوم به فردوسی که در آن توهین به قوم عرب‌زبان در دستور کار قرار گرفت و تاکید بر افکار و عقاید باستان‌گرایانه با هدف ضدیت با اعتقادات و افکار دینی ترجیح کلام او را شکل می‌دهد.

شاعری که متنبه نمی‌شود و برتوسن جهل مرکب سوار است

وی پس از اینکه توسط قوه قضاییه محکوم و دوران محکومیت خود را سپری نمود، بار دیگر ترجیح داد تا در محافل خاص ادبی و سیاسی حضور یابد و قریحه شعری خود را در خدمت ضد انقلاب و سلطنت‌طلبان قرار دهد.



"م.ب" اخیرا در یک محفل سیاسی، برای ضدانقلاب و سلطنت‌طلبان سنگ تمام گذاشت و با ارائه شعری به بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی هتاکی کرد.

حضر این محفل همگی از چهره‌های فعال فتنه 88 و وابسته به جبهه ملی بودند؛ از "عباس امیر انتظام" سخنگوی دولت موقت گرفته تا "محمد نوری زاد"، "ژیلا بنی یعقوب"، "بهمن امویی" و "محمد ملکی".

نگاهی گذرا به فعالیت‌های عنصر ساواک

اما نگاهی گذرا به سوابق و کارنامه پنهان "م.ب" بالاخص در دوران رژیم ستم شاهی، شاید برای معدود جوانانی که احیانا با اشعار "م.ب" تهییج می‌شوند، خالی از فایده نباشد که بیشتر در خصوص این به اصطلاح استاد بدانند.

"م.ب" در سال 1331 در شهر اراک متولد شد، وی پس از پایان تحصیلات متوسطه در قالب "سپاه دانش" وارد دانشگاه فردوسی مشهد شد و همزمان به استخدام آستان قدس نیز درآمد؛ فعالیت‌ها و اقدامات "م.ب" در آستان قدس، که در راستای اهداف دربار بود، سبب شد تا به عنوان مسئول موزه آستان قدس منصوب شود.

اما فعالیت‌های "م.ب" در دوران رژیم پهلوی تنها به حضور در دانشگاه فردوسی و آستان قدس، منحصر نبود، وی در سال 1351 پس از اثبات سرسپردگی به رژیم پهلوی، توانست به تشکیلات مخوف ساواک راه یابد، دامنه فعالیت‌های تخریبی و تجسسی "م.ب" در ساواک به قدری گسترده بود که برای وی نام مستعار و سازمانی در نظر گرفته شد.

"م.ب" در دوران ستم شاهی با نام مستعار "مالک" و شماره پرسنلی که نزد باشگاه خبرنگاران محفوظ می ماند، به عنوان نیروی نفوذی ساواک در دانشگاه فردوسی و آستان قدس فعالیت می کرد.



پس از انقلاب اسلامی، "م.ب" از آستان قدس اخراج شد و دادگاه انقلاب دستور بازداشتش را صادر کرد، اما شامل عفو امام(ره) شد.

"م.ب" پس از آزادی، مدتی مشغول فعالیت در شرکت توسعه کتابخانه کشور می شود و در کنار آن به نویسندگی نیز می پردازد.

روایت رابطه "م.ب" با منافقین که هیچ جا سخن از آن به میان نیامده

نکته پنهان زندگی "م.ب"، که با آگاهی از آن می توان علت بغض و کینه او به نظام جمهوری اسلامی را دریافت، انتساب دو تن از نزدیکان خانوادگی وی به گروهک تروریستی منافقین و مجازات آنها به سبب مشارکت در فعالیت های تروریستی گروهک منافقین علیه ملت ایران در اوایل دهه 60 است.

"م.ب" که پس از انقلاب برای تحصیل به حوزه علمیه رفته بود، در سال 68 به جریان موسوم به آخوند قمی می پیوندد و با پخش اعلامیه هایی با محتوای ضددینی، در جهت تخریب وجهه دین مبین اسلام گام برمی دارد، اقدامی که از سوی دادگاه ویژه روحانیت نادیده گرفته نمی شود و حکم پنج سال حبس تعلیقی برای "م.ب" از سوی دادگاه مزبور صادر می شود.

"م.ب" در دهه های 70 و 80، همکاری خود با سازمان ها و شبکه های سلطنت طلب، معاند و برانداز را گسترش می دهد و در جریان فتنه 88 نیز تمام شرم و قریحه شعری و ادبی اش را به تعبیر ناصر خسرو قبادیانی صرف خوکان(فتنه گران و سلطنت طلبان) می کند.

انتهای پیام/